



## Aesthetic styles of types of artistic images in verses from chapters of the 30th chapter of the Holy Quran

Hasan Ali Sherbatdar\*<sup>1</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor of Farhangian, University of Semnan, Semnan, Iran.

---

### Article Info      ABSTRACT

---

#### Article type:

#### Research Article

#### Received:

23/04/2024

#### Accepted:

11/08/2024

The purpose of examining artistic images is to examine any imaginary appropriation in language and its virtual applications. Artistic imagery is a sensory and inner benefit of words and sentences with an attractive artistic style, which contains guiding messages. In artistic depiction, the emotion, passion and feeling of the subject should be expressed so that they have their own effect on the person of the audience. The classification of artistic images according to the approach of Quranic verses is divided into different types of virtual, linguistic, textural, visual and diagnostic, which have a deep impact on the audience according to the audio and listening, visual and visual aspects, softness and coarseness of the broad meanings of Quranic verses. The works and functions of artistic images in Quranic verses can be investigated in wider dimensions than these images to express the religious thought which is the fundamental and constant guiding part of the prophets throughout the history of mankind. The processing of different styles of artistic images in the Quranic verses has beautifully illustrated the complete coherence and assimilation of the meaning and wording of the verses. In this research, we will examine the structures of these aesthetic types by presenting the evidence of Quranic verses and analyzing them. The result of this research is to express the beauty of the function of literary genres and the aesthetic aspects of the verse style of the third chapter and to express the aesthetic aspects and the realness of these images, which causes the spiritual pleasure and benefits of guidance in the soul of man, his intellect and vision.

**Keywords:** *Artistic images, Quranic verses, literary and rhetorical genres*

---

**Cite this article:** Sherbatdar, H.A. (2024). *Aesthetic styles of types of artistic images in verses from chapters of the 30th chapter of the Holy Quran*, year<sup>1</sup>, issue 1, Pp 177-200.

© The Author(s).      doi: 10.22034/JISALL.2024.202896

**Publisher:** University of Zabol



---

**Corresponding Author:** Hasan Ali Sherbatdar

**Address:** Assistant Professor of Farhangian, University of Semnan, Semnan, Iran.

**E-mail:** sharbatdar141@yahoo.com



## سبک‌های زیبایی‌شناسی گونه‌های تصاویر هنری در آیاتی از سوره‌های جزء سی قرآن کریم

حسن علی شربتدار<sup>۱\*</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، گروه زبان عربی، دانشگاه فرهنگیان استان سمنان، سمنان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	هدف از بررسی تصاویر هنری، بررسی هرگونه تصرف خیالی در زبان و کاربردهای مجازی آن است. تصویر هنری، بهره‌حسی و درونی از الفاظ و جملات با سبک هنری جذاب است، که در خود پیام‌های هدایت بخشی دارد. در تصویرگری هنری باید عاطفه، شور و احساس از موضوع مورد نظر اظهار شود تا در شخص مخاطب تأثیر خاص خود را داشته باشند. طبقه‌بندی تصاویر هنری با توجه به رویکرد آیات قرآنی به گونه‌های مختلف مجازی، زبانی، بافتی، تجسمی و تشخیصی تقسیم می‌شود، که با توجه به جنبه‌های صوتی و شنیداری، دیداری و بصری، نرمی و درشتی معانی گسترده آیات قرآنی تأثیر ژرفی در مخاطب دارند. آثار و کارکردهای گونه‌های تصاویر هنری در آیات قرآنی در ابعاد گسترده‌تر از این تصاویر برای بیان اندیشه دینی که محور اساسی وثابت هدایت بخشی انبیاء در طول تاریخ بشریت است، قابل بررسی است. پردازش سبک‌های مختلف تصاویر هنری در آیات قرآنی، انسجام کامل و همسان‌سازی معنا و لفظ آیات را به زیبایی به تصویر کشیده است. در این پژوهش با روش ارائه شواهد آیات قرآنی و تحلیل آن‌ها به بررسی ساختارهایی از این گونه‌های زیبا شناختی خواهیم پرداخت. نتیجه این پژوهش، بیان زیبایی کارکرد گونه‌های ادبی و جنبه‌های زیباشناختی سبک آیاتی از جزء سی و اظهار جنبه‌های زیبا شناختی و واقعی بودن این تصاویر که موجب پدید آمدن لذت معنوی و بهره‌های هدایت بخشی در نفس انسان و عقل و دیده‌اش می‌گردد، است.
دریافت:	کلمات کلیدی: تصاویر هنری، آیات قرآنی، گونه‌های ادبی و بلاغی.
۱۴۰۳/۰۲/۰۴	
پذیرش:	
۱۴۰۳/۰۵/۲۱	

استناد: شربتدار، ح.ع. (۱۴۰۳). سبک‌های زیبایی‌شناسی گونه‌های تصاویر هنری در آیاتی از سوره‌های جزء سی

قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۷-۲۰۰. doi: 10.22034/JISALL.2024.202896



ناشر: دانشگاه زابل حق مؤلف © نویسندگان.

## ۱. مقدمه

تصویر یا ایماژ (*Image*) از دیرباز در بلاغت اسلامی مطرح بوده است. جاحظ کلمه تصویر را برای شعر به کار گرفته و می‌گوید: «همانا شعر صنعت و گونه‌ای از بافندگی و نوعی تصویر است.» (جاحظ، ۱۹۵۲: ۱۳۲/۳). ناقدان دیگر مثل قدامه بن جعفر و ابوهلال عسکری نیز کلمه صورت را به معنای شکل و صفت بیرونی در تقسیمات تشبیه و تعاریف خود آورده‌اند، ولی عبدالقاهر جرجانی با استناد به سخن جاحظ و نقل آن در کتابش می‌گوید: «صورت عبارت است از تمثیل و قیاس برای آنچه که با چشمانمان می‌بینیم و با عقل‌هایمان درک می‌کنیم ... وقتی میان معانی دو بیت تفاوت می‌یابیم، آن تفاوت را چنین می‌گوییم: معنی در این بیت صورتی دارد که باصورت آن بیت متفاوت است، این سخن درباره صورت چیزی نیست که ما مبدع آن باشیم و سخن جاحظ ترا کافی است که گفته: شعرگونه‌ای از بافندگی و نوعی تصویر است.» (جرجانی، ۱۹۷۸: ۳۸۹) ابن‌اثیر نیز کلمه صورت را در معنای امر محسوس اطلاق نموده و آن را در مقابل معنا آورده است. (ابن‌اثیر، ۱۴۲۰ ق: ۳۸۱/۱)

بنابراین برداشت گذشتگان از تصویر همچنان جزئی و در چهارچوب حسی باقی مانده و از نگرش کلی و فراگیر به اثر ادبی دور بوده است و به جای توجه به تصویر کلی بافت یا ساختار کلی تصویر در کل قرآن؛ که به نظام روابط میان تصویرهای جزئی و کلی و تصویرهای حسی و روانی مبتنی است، به تصویر مفرد یا جزئی توجه داشته‌اند. (الراغب، ۱۳۸۷: ۳۸)

در نقد جدید نیز به کلمه تصویر توجه شده و در تعریف و اطلاق آن نظریات مختلفی بیان شده است. دو اصطلاح تصویر و خیال در برابر کلمه ایماژ فرنگی قرار داده می‌شود، زیرا «این لفظ از نظر لغوی معنای تصویر، سایه و خیال را می‌دهد.» (شفیعی، ۱۳۵۸: ۱۰) این دو اصطلاح (تصویر و خیال) ارتباط تنگاتنگی با همدیگر دارند و با همدیگر یکی دانسته می‌شوند، اگرچه تفاوت اندکی بین آن‌ها وجود دارد، زیرا «خیال به معنای مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر با مفهومی اندک وسیع‌تر شامل هر گونه بیان برجسته و مشخص است، اگرچه از انواع مجاز و تشبیه در آن نشانی نباشد.» (همان: ۱۶)

بنابراین خیال یا تصویر غالباً با عاطفه و احساس همراه است، و در تصویرگری خود از موضوعی، باید عاطفه، شور و احساس از آن موضوع را اظهار نمایند تا در شخص مخاطب تأثیر خاص خود را داشته باشند.

درعام‌ترین تعریف «تصویر برکل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای خلاقه و هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۱)

کارکرد استفاده از فنون ادبی در تصویرگری آیات برای توضیح، تبیین، تأکید و رسایی معانی و اندیشه‌هایی است که با بافت‌های جملات ارتباط کامل یافته و تصاویر این اندیشه‌ها و معانی آن را می‌توان از خلال روابط منسجم آیات مشاهده کرد. این تصاویر از روابط جزئی حروف تشکیل دهنده کلمات آغاز و سپس در روابط کلمات در جمله‌ها گسترش می‌یابد و آن گاه در نظام جمله‌ها و هماهنگی آن با معنا و بافت کلی ادامه یافته تا به ساخت نهایی تصویر از نظر ساختار و کارکرد می‌رسد.

با بررسی کارکردهای این تصاویر هنری رابطه تنگاتنگ، میان اندیشه و واقعیت از زوایای آیات قرآنی قابل مشاهده است، یعنی اندیشه در درون این تصاویر با واقعیت بیرون آن‌ها هماهنگ است و جدا نمی‌گردد و این همان ویژگی خاص تصاویر قرآنی است که از تصاویر ادبی کارآمدتر و تأثیرگذارتر می‌شود، زیرا «تصاویر ادبی این ویژگی خاص تصاویر قرآنی را که ویژگی الهی و مطابق با واقعیت و زندگی به اضافه تعادل موجود بین دنیا و آخرت یا عالم شهادت و جهان غیب است، ندارد.» (الراغب، ۱۳۸۷: ۵۴).

سبک استفاده از گونه‌های ادبی و بلاغی در آیات قرآنی، تصاویری زنده، پویا و خیره کننده‌ای دارد و با سبک بشری از نظر تأثیرگذاری و سازندگی یا از نظر لفظ و محتوا متمایز است. اگرچه قرآن متن ادبی و نثر فنی است ولی از تکلف و تعقید به دور است و بافت تصویرگری در آن محکم، هماهنگ و متناسب با رخداد‌های مربوط به آن تصویر است. خداوند در آیاتش مفاهیم مجرد و عقلی را با تصویرهای هنری محسوس و ادبی ترسیم نموده است تا انسان‌ها با عقل مادی خود بتوانند مفاهیم و حقایق معارف قرآنی را استنباط کنند و با استفاده از این تصاویر پویا و متحرک به سوی آفریننده خود رهنمون شوند.

#### ۱-۱- روش، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و ارایه شواهد قرآنی، موضوع زیبایی‌شناسی گونه‌های تصاویر هنری در آیات از سوره‌های جزء سی قرآن کریم را در قالب مختصری که یک مقاله بیاید بررسی و تحلیل می‌کند. تاکنون پژوهش‌گرانی در زبان عربی و فارسی به بررسی‌هایی در این موضوع پرداخته‌اند، ولی نیاز به بررسی موضوعی و جزئی بیشتر دارد. در بعضی از کتب مانند: «التصویر الفنی فی القرآن اثرسید قطب، خصائص التعبير القرآنی وسماته البلاغیة اثرعبدالعظیم المطعنی، وظیفه الصورة الفنیة فی القرآن الکریم اثرعبدالسلام احمد الراغب، الاسلوب فی الاعجاز البلاغی للقرآن الکریم اثرمحمد کریم الکوآز، زیبایی‌شناسی آیات قرآن اثر دکترسیدحسین سیدی، زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع اثر دکترحسن خرقانی» و بعضی از پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های

قرآنی در سبک شناسی و زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم، موضوعات ارزشمندی بیان شده است که مجال ذکر همه آنها در این پیشینه نیست. اما در حوزه کارکرد گونه‌های ادبی در تصویرگری آیات برای توضیح، تبیین، تأکید و رسایی معانی و اندیشه‌هایی آن؛ که می‌توان از خلال روابط منسجم آیات مشاهده نمود، نیاز به پژوهش بیشتری احساس می‌شود. لذا به دنبال جوابگویی دو سؤال مهم در این پژوهش هستیم:

- ۱- گونه‌های تصاویر هنری در آیاتی از سوره‌های جزء سی قرآن کریم به عنوان ابزاری تأثیر گذار برای بیان معانی و اندیشه‌های دینی چگونه ترسیم شده است؟
- ۲- از گونه‌های ادبی و تصاویر هنری آیاتی از سوره‌های جزء سی قرآن کریم چه کارکردهایی را می‌توان نتیجه گرفت؟

## ۲. جنبه‌های تصاویر قرآنی

زیبایی تصاویر هنری و کارکرد آنها در آیات قرآنی می‌تواند جلوه‌های گوناگونی بپذیرد که در آیات قرآنی شواهد بسیاری از آن وجود دارد. به عنوان مثال، گاهی تصویر جنبه صوتی و شنیداری دارد، مانند: «فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةً وَاحِدَةً» (حاقه: ۱۳)، «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا، ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا» (عبس: ۲۵ - ۲۶) گویا صدای شیپور قیامت یا صدای ریختن آب و شکافتن زمین با آمدن تصاویر مصدری بعد از فعلشان به تصویر حسی و شنیداری مجسم شده است که مخاطب با شنیدن این آیات آن صداها را نیز حس می‌کند.

گاهی تصویر جنبه حس درونی و دریافت‌های باطنی دارد، مانند «الَّذِي أَطَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴) «الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ» (همزه: ۷)، امنیت و آسایش از ترس و گرسنگی درون، شعله ور شدن قلب‌ها و درون انسان‌ها از آتش خشم و قهر الهی تصاویری از درون افراد است که با جملات زیبایی ترسیم شده است.

گاهی تصویر می‌تواند دیداری و بصری باشد و آنچه را که با تجربه حسی-بصری حاصل می‌شود به نمایش گذارد، مانند: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ، وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ» (بلد ۸-۹)، «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر: ۲)، در این آیات کریمه نعمت و لطف الهی با تصویرهای دیداری و بصری مجسم گشته است تا مخاطب با دیده خود پذیرای سخن غیبی باشد و تأثیرش در درون او به یقین برسد.

گاهی تصاویر می‌توانند درستی و سختی سرانجام امور را به ما القاء کنند، مانند: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينٍ، وَ مَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينٌ، كِتَابٌ مَرْقُومٌ، وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (مطففين: ۷-۱۰)، در این

آیات نورانی سرانجام دردناک و سختی که منتظر بدکاران، دروغگویان و فاسدان است با تصاویری ترسناک و بدفرجام مجسم گردیده است.

گاهی این تصاویر به صورت نرمی، گرمی و احسان ترسیم می‌شود، مانند: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (انفطار: ۱۳)، «جَزَاءٌ مِّنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا» (نبا: ۳۶)، در این آیات کریمه سرانجام نیک برای پرهیزگاران با عطوفت و پاداش نیک ترسیم گردیده است.

اهمیت تصاویر در آیات قرآنی به خاطر هماهنگی و تناسبشان با بافت جمله‌ها است که نشانگر نظام روابط محکم و پیچیده در سبک تصاویر آیات قرآنی است. در تصویر بافتی تنوع تصاویر جزئی صحنه‌ها و تصاویر کلی و ارتباط بین این تابلوهای ترسیم شده با همدیگر وجود دارد. مثلاً در سوره نازعات تصویر کلی آن، موضوع روز قیامت است ولی در تصاویر جزئی آن از ابتدا با قسم؛ که از اسلوب‌های تأکید جمله است، شروع شده و به انواع فرشتگان سوگند یاد می‌کند تا به موضوع قیامت «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ» (نازعات: ۶) می‌رسد و بافت سخن به بیان سختی رویدادهای قیامت و حالات مردم غافل می‌پردازد، و در ادامه آن به داستان حضرت موسی (ع) و سرانجام سرکشی و غرور فرعون می‌پردازد و بدون فاصله به خلقت و آفرینش آسمان و زمین و تصاویر آن پرداخته، آن گاه دوباره با آوردن آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى» (نازعات: ۳۴) در ترادف و تذکر دوباره از آیه «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ» به موضوع اصلی سوره بر می‌گردد. این آیه و آیات بعدی نوع ارتباط و بافت تصویری با آیات اولیه این سوره را نشان می‌دهند که چارچوب تصویرگری این سوره با نظام روابط بیانی آن آمیخته و محکم بوده، اگرچه گاهی صحنه‌های آن از همدیگر دور می‌شود یا نزدیک می‌گردد.

### ۳. گونه‌های تصاویر هنری

طبقه بندی تصویردرانواع مختلف آن با توجه به رویکرد تصویرهنری درقرآن کریم به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود که برای بیان این تصاویر الهام بخش از آیات قرآنی در محدوده بخشی از آیات جزء سی به بررسی نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

#### ۳-۱. تصاویر مجازی (بلاغی یا ذهنی)

در ادبیات همیشه دو موضوع حقیقت و مجاز مورد بحث و پژوهش قرار گرفته است. در بحث حقیقت دلالت اولیه و واقعیت کلام بر مفهوم اصلی سخن، بدون وجود قرینه‌ای که معنای دیگری از آن اراده شود موردنظر است، تا جایی که بعضی از ناقدان تمامی زبان را حقیقت دانسته‌اند و مجاز در قرآن را نمی‌پذیرند و بعضی نیز تمامی زبان را مجاز دانسته‌اند و رسیدن به

حقیقت را دست نیافتنی می‌دانند. (فاضلی، ۱۳۶۵: ۲۵۱) مجاز در اصل گذراز معنای حقیقی و وضعی واژه‌ها است به معنایی که ذوق‌ها و خیال‌های تصویرگر آن را می‌پسندد است. در تصاویر مجازی در اصل ایجاد ارتباط با کمک قوه تخیل بین اموری است که در ظاهر ارتباطی با همدیگر ندارند ولی با تعمق در آن‌ها تازگی و غرابت شگفتی نمایان می‌گردد.

در این تصاویر مجازی و بلاغی نباید «به همان حدود جزئی متوقف شویم، بلکه تصویر جزئی را به بافت دهیم و به آن از خلال ساختار تصویر عام بنگریم که تصویر، جزئی از آن باشد که به ایفای نقش و کارکردش در ضمن ساختار عام یا تصویر کلی می‌پردازد. و بایراین تصاویر را به احساس، روان و اندیشه ربط دهیم، زیرا تصویر خالی از آن‌ها تصویری خشک و سرد یا تصویری به ظاهر زیباست.» (الراغب، ۱۳۸۷: ۷۰)

تصاویر مجازی و بلاغی قرآن کریم هماهنگی و تناسب در ساختار، عبارت‌ها، گزینش واژه‌ها، انسجام معنایی، موسیقی و آهنگ فواصل و واژگان، مناسبت بین فواصل آیات و تسلسل در انتقال به معانی مختلف دارد. بنابراین باید پژوهشگر علوم بلاغی در قرآن ارتباط و تناسب بین این تصاویر را با هدف و معنای اصلی آن‌ها فراموش نکند و در بررسی‌های بلاغی خود آن‌ها را مورد توجه قرار دهد. به نمونه‌هایی از این تصاویر می‌پردازیم:

### ۳-۱-۱. تصویر سوگند به او قسم؛

یکی از جنبه‌های زیباشناختی آیات قرآن، موضوع سوگندهای قرآنی است. سوگند از جمله اسلوب‌های مهم تأکیدی به حساب می‌آید که بدون ادات تأکید است، و در جمله برای نشان دادن اهمیت مطلب به کار می‌رود. سوگندها در قرآن گاهی صریح است، مانند: «والعصر»، و گاهی به صورت منفی می‌آیند، مانند: «فَلَا أُقْسِمُ بِالسَّفَاقِ» (انشقاق: ۱۶)، و گاهی تقدیری هستند که با لام مُوطئه می‌آیند، مانند: «كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَهُ لَنَنْسِفَنَّ بِاللَّيْلِ صَبِيَّةً» (علق: ۱۵)، لام در ابتدای جمله بر سر این شرط آمده است و مقدمه ساز قسمی است که در تقدیر است و جواب «لَنَنْسِفَنَّ» برای قسم است نه برای شرط.

سوگندهای جزء سی قرآن؛ که ۱۱ مورد با او قسم، ۳ مورد با فعل منفی «لَا أُقْسِمُ» و یک مورد قسم تقدیری در سوره علق آمده است، بیدار کننده، هشدار دهنده و پرمحتوا برای انسان و هدایت او است، زیرا در بیشتر این سوگندها تذکر به انسان، یادآوری خلقتش، ناسپاسی و ضرر و زیان انسان‌ها و تزکیه نفس مورد تأکید قرار گرفته است. این ساختار کلامی جزء سی از استوارترین تصویرهای تأکیدی است که با تکرار آن‌ها در موارد مختلف و در موقعیت زمانی صدر اسلام؛ که در مکه بیان شده است، از جنبه‌های زیبای ساختار ادبی قرآن است.

در تفاسیر مختلف برای این سوگندها فوایدی را مطرح کرده‌اند، از جمله تأکید بر روی موضوعی که در آن سوره بیان می‌شود، بیان عظمت چیزی که به آن سوگند یاد شده است و متوجه ساختن فکر و اندیشه بشر برای مطالعه و بررسی پدیده‌هایی که ذکر شده تا به سادگی از کنار آن نگذرند.

مفسران این فواید را گفته‌اند ولی رابطهٔ بین الفاظ سوگند یاد شده (مُقَسَّم به) با واژگان و جملاتی که بعد از آن‌ها می‌آید؛ بیان نشده است، و یا به راز بیانی نهفته در شروع این سوره‌ها با واو قسم توجه نشده است.

سوره‌هایی که با این واو آغاز شده، همه سوره‌های مکی هستند و هیچ سوره مدنی با این واو آغاز نگردیده است. اگر هدف از این سوگندها تعظیم و بزرگداشت آنچه که به آن سوگند یاد شده می‌باشد، چرا تنها سوره‌های مکی با این واو آغاز شده‌اند؟ اگر در سیاق آیات سوگند دقت شود زمانی که با الفاظ رَبِّ، رَبَّنَا و الله سوگند یاد می‌کند منظور معنای اصلی سوگند یعنی تأکید، تقریر و تعظیم است، زیرا هیچ چیز دیگر در جهان هستی با عظمت‌تر و والامقام‌تر از خداوند وجود ندارد که به عظمت آن سوگند یاد شود، ولی در موارد دیگر از جمله سوگند در سوره‌های جزء سی واو قسم از معنای اصلی آن خارج شده؛ چنان که اسلوب‌های استفهام، امر و نهی از معنای اصلی خود خارج می‌شوند، و این واو مفهوم بلاغی جدید یافته که عبارت است از «جلب توجه کامل مخاطب به اموری محسوس و قابل درک برای انسان که هیچ جای جدل و چانه زنی در آن‌ها نیست تا این توجه مقدمه‌ای شود بر بیان مسائلی معنوی که در آن‌ها بحث و چانه زنی می‌شود و یا مقدمه‌ای شود بر بیان امور غیبی که در چهارچوب حسنیات و مدرکات حسن بشری قرار نمی‌گیرد.» (بنت الشاطی، ۱۹۶۸: ۲۵/۱)

### ۳-۱-۲. تصویر فاصله و ریتم آیات؛

از جمله زیباترین ساختارهای قرآنی هماهنگی و همسان سازی آخر آیات است که به آن تناسب فواصل یا فاصله قرآنی گفته می‌شود. بسیاری از اندیشمندان علوم قرآنی برای پرهیز از اطلاق کلمه سجع به اواخر آیات، کلمه فاصله یا رئوس آیات را برگزیده‌اند. یکی از دلایل آن‌ها منع پیامبر اسلام (ص) از استفاده کلمه سجع به خاطر تداعی اطلاق سجع کاهنان عرب درباره قرآن است. و دلیل دیگر آن‌ها آیه کریمه «كُتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ» (فصلت: ۳) بوده است.

فاصله در آیات قرآنی نقش اساسی در نظم آهنگ قرآنی و موسیقی اواخر آیات دارد و مانند قافیه در شعر و سجع در نثر است که موسیقی کلامی را ایجاد می‌کنند. تأثیری که قافیه در شعر ایجاد می‌کند مانند تأثیر موسیقیایی، زیبایی معنوی، سرعت انتقال، اظهار تصویرها و معانی، القای

مفهوم از راه آهنگ کلمات و ... فاصله‌های قرآنی نیز به جای قافیه در آخر آیات قرآنی این تأثیر را دارند. زمانی که سخن از آهنگ فواصل قرآنی مطرح می‌شود، رعایت وقف، سکون و قواعد آوایی در آخر آیات است، ولی اگر بدون رعایت این تصاویر آوایی تلفظ، صورت گیرد نظم آهنگ و موسیقی آیات نیز به هم می‌خورد، مانند غزلی که بر اساس ریتم اصلی کلمات، تلفظ نگردد و یا کسی که به تلفظ آن کلمات آگاهی ندارد آن را بخواند.

می‌توان گفت که غرض اصلی از آوردن فواصل آیات تنها مراعات صوری و آراستگی لفظی نیست، بلکه این فواصل ناشی از مقتضیات معنایی است و در کنار آن از همسویی آهنگ و هماهنگی صوت با الفظی که از مفاهیم و معانی تبعیت می‌کند، نیز برخوردار است. (بنت الشاطی، ۱۳۹۱: ۲۸۶ و ۲۸۷)

در فواصل کوتاه آیات جزء سی، الفاظ فقط به عنوان واژه مجرد یا تصویر و استدلال نیستند که فقط چشم، عقل و قلب از آن‌ها بهره بگیرند، بلکه گوش نیز از بُعد نظم آهنگ این آیات که به خاطر فواصل منظم و دقیق آن آمده است بهره مند می‌شود. این آیات غیر از زیبایی واژگان، سجع و فاصله رعایت شده در آن‌ها، از نظر نظم آهنگ و ریتم موسیقایی با محتوای درونی آیات و مفهوم باطنی آن نیز هماهنگی کامل دارند. زمانی که سخن از جنگ و حمله به دشمنان و تاختن اسبان حمله ور است آهنگ شتاب، پرش و یورش را تداعی می‌کند «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا، فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا، فَالْمُخِيرَاتِ سُبْحًا، فَاتْرَنَ بِهِ نَعْمًا، فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا» (عادیات: ۱-۵)، و زمانی که صحبت از مهر، محبت و عطوفت به فقیر و بی‌نوا است، چنان ریتم و موسیقی واژگان نرم و آهسته می‌شود که الفاظ و معنایشان به همراه ریتم واژگان در دل رسوخ می‌کند و تأثیر خود را می‌نهد «فَكَ رَقَبَةٍ، أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ، يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ، أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ» (بلد: ۱۳-۱۶) قرار گرفتن وزن مفعله در کلمات «مَسْغَبَةٍ، مَقْرَبَةٍ، مَقْرَبَةٍ» همراه با رعایت حرف روی ب-ه در آخر آن‌ها و حرکات متوالی فتحه نوعی خشوع، خضوع و افتادگی مانند خاک در مقابل این افراد را القا می‌کند و زمانی که از وحشت و اضطراب و ترساندن دل‌های انسان‌ها از هولناکی روز قیامت و مقدمات آن سخن می‌آید با استفاده از حروف کوبنده که ریتم و آهنگ شدید دارند دل‌ها را به لرزه و می‌دارد «الْقَارِعَةِ، مَا الْقَارِعَةِ، وَ مَا أَدْرَاكُ مَا الْقَارِعَةُ» (قارعه ۱-۳)، «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ، وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَبَرَتْ، وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ، وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ» (انفطار: ۱-۴) استفاده از حروف کوبنده و شدیدی مانند ق، ک و تلفظ سنگین و پر حروف آخر آیات سوره انفطار نشانه نوعی سختی، ترسناکی و وحشت قلب‌ها در مقابل چنین حادثه‌ای است. این نوع برداشت از ظاهر الفاظ فواصل با معانی درونی آن‌ها و نظم آهنگ درونی و بیرونی آیات تناسب و هماهنگی کامل دارد.

## ۳-۱-۳. تصویر تشبیه و تمثیل؛

تشبیه یکی از فنون مهم بلاغت است که قدرت تصویرگری و تأثیرگذاری شگرف در مجسم ساختن معانی درونی و پنهان به صورتی زیبا و گویا دارد. در قرآن کریم تشبیهات و تمثیل‌های جذّاب و زیبای فراوانی وجود دارد که از این هنر بیانی برای تبیین، تهذیب، تربیت، بشارت و انذار، تشویق و تهدید، زیباسازی و زشت‌نمایی، قدرت و ناتوانی، هدایت و گرامی، بزرگداشت و تحقیر و ... استفاده شده است. (مطعنی، ۱۳۸۸: ۴۷۸) در همه این تصاویر هنری از تشبیهات و تمثیلات قرآنی، هدف دینی و جنبه‌های تقرّب و نزدیکی انسان به خداوند و هدایت بخشی او مشاهده می‌شود که با دقت و توجه در معانی این تصاویر و تناسب با معانی آیات قبل و بعد آنها می‌توان تصویرهای حقیقی آنها را استخراج نمود. از جمله این تصاویر تشبیهی نزدیک بودن روز قیامت است که برای به یقین رساندن انسان از انجام زودرس این واقعه و اینکه زمان زندگی در این دنیا در مقابل زندگی آخرت بسیار کوتاه است، در بعضی آیات مدت زمان زندگی دنیوی را ساعتی از روز «لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ» (احقاف: ۳۵) و در بعضی از آنها شبی یا روزی یا قسمتی از یک روز «قَالُوا لَيْسَ لَنَا بِيَوْمٍ أُبْحَصُّ يَوْمٌ» (کهف: ۱۹)، «لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا» (نازعات: ۴۶) بیان شده است. نکره آمدن همه کلماتی که بر زمان کوتاه زندگی دنیوی دلالت می‌کند تصویر دیگری از کم نشان دادن و کوتاهی این مدت زمان است؛ یعنی غیر از تصویر ظاهری از کوتاهی یک تصویر درون متنی نیز در آن ها وجود دارد و این کاستی و تقلیل در زمان باعث مبهم ماندن زندگی درحافظه انسان می‌شود. تشبیه در آیات قرآنی فقط زیباسازی سخن و آراستگی واژگان نیست، بلکه هدف اصلی آن روشنگری و تأثیرگذاری سخن، دمیدن روح نشاط و شادابی و تجسم بخشیدن ساختارهای الفاظ است تا درکنار جنبه‌های هنری و نظم آهنگ سخن برای مخاطب واضح و جذّاب باشد.

در تصویرگری تشبیهات قرآنی فقط حواس بین مشبه و مشبه به ایجاد ارتباط نمی‌کند، بلکه حواس با جان و روان مخاطب باهمدیگر این ارتباط را ایجاد می‌کنند، «حتی بهره جان و روان بیشتر از حس است.» (بدوی، ۲۰۰۵: ۱۴۸) به عنوان مثال، در سوره قارعه آیه «يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ» (قارعه: ۴)، حیرت و سرگردانی انسان‌ها از دیدن حوادث ترسناک قبل از قیامت به پراکندگی پروانه‌ها تشبیه شده است. در این تصویر مفاهیم ارزشمندی برای بیداری انسان‌ها و پندپذیری آنها وجود دارد. تشبیه انسان‌ها به پروانه‌هایی که حیران و سرگردان هستند و به هر سو در حال گریزند، حکایت از ترسناکی و بزرگی این روز و از طرفی ضعف و سستی انسان مانند پروانه‌ای که موجودی ضعیف است، دارد. پروانه‌ها وقتی نوری را مشاهده می‌کنند با سرعت و

آشفستگی به سوی آن می‌روند، در آن روز بزرگ انسان‌ها نیز به سوی حسابرس و خالق خود با سرعت و آشفستگی در حرکت‌اند. این تصاویر را انسان‌ها در این دنیا از این حشره دیده‌اند، بنابراین تصویر قیامت و سختی آن در این آیه برای آن‌ها تجسمی عینی در بردارد.

### ۳-۲. تصاویر زبانی (عینی یا واقعی یا دیداری)

این نوع تصاویر به صورتی است که بدون فاصله بعد از شنیدن یا خواندن جملاتشان تصویر واقعی از آن‌ها در ذهن ایجاد می‌شود و تصاویر ساده‌ای هستند که قابل درک‌اند، زیرا مستقیماً با ادراک حسی مخاطب سر و کار دارند و با واقعیت خارجی منطبق هستند. ذهن مخاطب بعد از شنیدن یا دیدن جملات این تصاویر دخل و تصرفی در آن‌ها انجام نمی‌دهد و به سادگی آن را مورد پذیرش و تأیید قرار می‌دهد، زیرا فرایند ادراکی این نوع تصاویر، کارکرد عادی و طبیعی ذهن انسان است. در اصل این نوع تصاویر به صورت خام و عینی که مشاهده شده‌اند در ذهن ثبت می‌شوند و تخیل در آن دخل و تصرفی نمی‌کند و به طور غیر ارادی و در نتیجه عمل خودکار ذهن ادراک می‌شوند، بنابراین بعضی آن را «تخیل اولیه» ذهن نامیده‌اند که در نازل‌ترین سطح ادراک حسی قرار دارد. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۸)

تصویر زبانی همان تصویر عینی یا واقعی است که در معنای حقیقی واژگان و الفاظ در ذهن حاصل می‌شود. مثلاً در سوره توحید از همان آیه اول وقتی ضمیر شأن هو می‌آید «فطرت اولی و بی‌آلایش بشری بدون هیچ نام، عنوان، تشبیه و تکثیر وجود مبدأ را در می‌یابد و با الهام وجدان و ضمیر هو به او اشاره می‌نماید و به او روی می‌آورد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۱۷۷۵/۳) و با ذکر نام «الله» واقعیت و عینیت ضمیر هو برای او کاملاً مشهود می‌گردد و تصاویر بعدی که از این ذات مقدس برای او جلوه‌گری می‌کند از احدیت، صمدیت و نفی نمودن شریک و همتایی، افق‌های اندیشه و فکر انسانی او را از آلوده شدن به شرک و پرستش معبودی جز خداوند متعال می‌زداید. تصویر مرکزی که در این سوره و بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن نهفته، موضوع الوهیت و احدیت ذات مقدس خداوند است؛ زیرا از ابتدای سوره با کلمه احدی نفی هر نوع تصور دیگری از معبودهای مجازی کرده و در آخر سوره نیز با کلمه احدی نفی هر نوع همتایی و هم‌نظیری برای آن ذات مقدس نموده است، بنابراین تصاویر عینی و واقعی این سوره با ذکر صفات ربوبی، کامل و جامع خداوند تصویر مرکزی را تقویت بخشیده و عقل‌ها و اندیشه‌های بشری را متوجه آن ذات بی‌همتا کرده است.

تصویر زبانی می‌تواند اسم، صفت یا توصیفات ساده‌ای باشد که در معنی واقعی و عینی به کاررفته است. نام افراد یا اشیاء حسی، صفت‌ها و توصیفات آن‌ها ایماژ زبانی هستند. در ایماژ

زبانی، رابطه میان دالّ و مدلول ذهنی یک رابطه منطقی است. در نوشتار واقعگرا، واژه‌ها در معنی قاموسی خود به کار می‌روند و نماینده چیز دیگری غیر از خود نیستند و ادراک آن‌ها نیاز به درنگ و تأمل ندارد. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۹) در تصاویر عینی و زبانی باید چنان از تصاویر حسّی بهره گرفت که مخاطب صحنه‌ها را آنچنان که هست ببیند و حس کند. دو نمونه از این تصاویر را در آیات قرآنی بررسی می‌کنیم:

«فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (شمس: ۱۴)، در این آیه رویدادهای تکذیب حضرت صالح (ع)، کشتن شتر که آیت الهی بود، هلاک نمودن قوم ثمود به خاطر گناهی که انجام دادند و با خاک یکسان نمودنشان به صورت چند تصویر واقعی و عینی ترسیم شده است. در اصل شتر را یکی از آن‌ها که به فرموده خداوند بدبخت‌ترین آن‌ها بود کشته است، ولی در تصویر آیه قرآنی «فَعَقَرُوهَا» آمده و به همگی آن‌ها نسبت داده شده است که این اصل مسؤولیت همگانی در زندگی اجتماعی انسانی را می‌رساند، یعنی اگر کسی خلافی را انجام دهد و دیگران شاهد آن باشند و جلوگیری نکنند، همگان در جرم او شریکند. در فعل «دَمْدَمَ» که نشانه خشم خداوند بر آن‌ها و نابودی و هلاکت آن‌ها است «آهنگ خاص و طنین حرکات آن، حرکت رعدآسای عذاب و طوفان و فراگرفتن و فرود آمدن آن رامجسم می‌کند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹۵/۳) در این آیه تصویر چهار حرف فاء پی در پی آمده است که نشان دهنده سرعت، پیوستگی و سلسله وار بودن حوادث بدون وقفه در مقابل مخاطب ترسیم شده است که خود تصویر واقعی دیگری در نقل حوادث این ماجرا است.

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین ۱-۳)، در ابتدای سوره مبارکه مطففین این سه آیه «تصویری از واقعیت عملی زندگانی در مکه را نشان می‌دهد.» (سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۳۸۵۴/۶) که مردم مکه با این عملکرد هر روز مواجه بودند. تصویر کم فروشان و کاهندگان از جنس و کالای مردم به هنگام خرید و فروش، کسانی که به هنگام وزن کردن کالای مردم به آن‌ها کم می‌دهند ولی به هنگام ستاندن به تمام و کمال و افزون بر اندازه لازم دریافت می‌کنند. این دو تصویر واقعی نشان دهنده روش عملی و نمونه آشکار و عینی از سرشت مطففین است. کیل و ترازویی که نشانه مقیاس حقوق عادلانه و نشانه عدل اجتماعی است وقتی در دست این افراد می‌افتد فقط به فکر سودجویی خود و سود بیشتر برای خودند. آوردن کلمه «وَيْلٌ» در ابتدای این دو صفت زشت تصویر دقیقی از «انحراف فکری و اخلاقی است که ریشه همه آلودگی‌ها و گناهان و فسادها است.» (طالقانی، ۱۳۸۹، ۱۳۷۲/۳)

## ۳-۳- تصاویر بافتی؛

مقصود از این نوع تصویر «تصویری است که بافت از مجموعه تصویرهای جزئی در ضمن نظام رابطه میان تصویرهای قرآنی ایجاد می‌کند.» (الراغب، ۱۳۸۷: ۹۵) در برابر تصویر جزئی که همان تصویر بلاغی یا مجازی است، تصویر بافتی قرار دارد، که بیانگر نظام روابط پیچیده در سبک قرآنی است و اهمیت یک تصویر زمانی است که با بافت خود تناسب داشته باشد. (سیدی، ۱۳۹۰: ۳۵۸)

در تصویر بافتی تصاویر و صحنه‌های جزئی و تابلوهای هنری وجود دارند که جملات و ترکیب‌های آن بین این صحنه‌ها و تابلوها رابطه و ارتباط محکمی ایجاد می‌کنند تا به یک هدف والایی که در آن اصول و مبانی دینی متجلی می‌شود، برسد. در این صورت تصویرهای بافتی متنوع هستند، زیرا در آن‌ها تصاویری از صحنه‌ها، تابلوها، تصاویر جزئی، تصویرهدف نهایی و کلی وجود دارد.

در آیات قرآنی انواع تصویرها در نهایت به یک تصویر مرکزی برای ابراز کارکرد اندیشه دینی و بیان کارآمدی و تأثیرگذاری آن باز می‌گردد. لذا ناگزیر باید حدود تصویر گسترش یابد و چارچوب آن نیز برای بیان این اندیشه گسترش یابد. تصویر صحنه کامل، گاه به بیش از یک آیه ادامه می‌یابد و در ادای معنای اندیشه دینی شامل چندین آیه می‌گردد، که در این صورت شاهد چند رابطه و چند تصویر جزئی هماهنگ با هم در آن صحنه برای ادای معنای مطلوب دینی هستیم. (الراغب، ۱۳۸۷: ۹۶) دو نمونه از تصاویر بافتی آیات قرآنی را بررسی می‌کنیم:

«إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ، وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ، وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ، وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» (انشقاق ۱-۴)،

در این سوره تصویرهای جزئی متعددی وجود دارد، مانند: شکافته شدن آسمان و متلاشی شدن کرات آسمانی، گسترده شدن زمین و متلاشی شدن کوه‌ها، بیرون ریختن آن چه در درون زمین است، تسلیم شدن آسمان‌ها و کوه‌ها بر امر خداوند، خطاب به انسان و روشن کردن مسیر و سرنوشت او در دنیا تا رسیدن به خدا، تقسیم انسان‌ها به دو گروه کسانی که مسرورند و نامه اعمال به دست راست دارند و کسانی که نامه اعمال از پشت سر به آن‌ها داده می‌شود و در آتش جهنم می‌افتند، سوگندهایی به شفق، شب و ماه، عدم ایمان آوردن کافران و سجده نکردن در مقابل خداوند، تصویرعلم و دانایی خداوند به امور، وعده عذاب درد ناک و جداکردن انسان‌های مؤمن از این وعده. در تصویر کلی که از بافت این تصاویر جزئی حاصل می‌شود، موضوع «تسلیم پذیری و فروتنی» در مقابل خداوند متعال وجود دارد. این تصویر کلی گاهی تسلیم پذیری و فروتنی نمودن آسمان‌ها و زمین را مطرح می‌کند و گاهی تسلیم پذیری و فروتنی انسان در طی مسیرش به سوی

سرنوشت و هدف اصلی‌اش که ملاقات با خداوند متعال است. در مقابل این تصویر عدم اطاعت و تسلیم‌نپذیری بافت تقابلی و تضادی با تصویر اول وجود دارد و نتیجه‌ای که این بافت دارد عذاب دردناکی خواهد بود که به صورت استهزاء و سرزنش با تصویر «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (انشقاق: ۲۴) بشارت به عذاب دردناک را ترسیم نموده است.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفُرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر ۱-۳)، درسه آیه کوتاه این سوره سه تصویر جزئی مطرح شده است، تصویر اول بخشیدن کوثر به پیامبر اسلام (ص) که خیر و برکت بسیاری است، تصویر دوم در نتیجه بخشش این خیر و برکت بسیار نماز شکر به جا آوردن و قربانی برای اطاعت و تقرب به خداوند انجام شود، تصویر سوم ابتر و بی‌خیر و برکت ماندن دشمن پیامبر اسلام (ص).

در تصویر کلی از این سه آیه مبارکه، تسلی دادن به پیامبر اسلام (ص) از زخم زبان‌ها و سرزنش‌های کافران است. در این تصویر کلی تصاویر از نوع رفتار کافران در مکه با پیامبر اسلام (ص) را نشان می‌دهد که یک دعوت‌گر در ابتدای رسالتش با چه اذیت و آزاری از نظر روحی و روانی مواجه است و از طرفی عنایت و توجه خداوند به بنده‌اش که در مقابل این رفتار مکارانه و برای دفع پریشانی پیامبر خود دادن خیر و برکت بسیار را به طور قطعی و تأکید در ساختار صحنه‌هایی کوتاه ترسیم کرده است.

### ۳-۴. تصاویر تجسمی

تجسیم در اصطلاح حالت مادی و محسوس دادن به مفاهیم مجرد ذهنی و امور معنوی است تا مخاطب آن مفاهیم را درک کند. تصاویر هنری را خداوند برای درک و فهم همه انسان‌ها در طول تاریخ بشریت در قرآن کریم به صورت جسمانی، مادی، محسوس و ملموس قرار دادن امور معنوی و امور مجرد ذهنی آورده است که آن را تجسم بخشی یا تصویر تجسمی گویند. (سیدقطب، ۲۰۰۲: ۷۲) یعنی تصویری بصری و مادی دادن به امور غیرمادی به قصد تأثیرگذاری بیشتر در ذهن مخاطب، مانند مفهوم هدایت به روشنایی و نور، گمراهی به تاریکی و ظلمت. «كُتَابٌ أُنزِلْنَا إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱) مقصود از تجسم بخشی تشبیه به محسوس نیست، زیرا این موضوع همیشه متداول بوده است، بلکه مقصود صورت جسمانی دادن به معنویات است ولی نه از راه تشبیه و تمثیل بلکه از راه دگرگون نمودن آن صورت. (همان: ۷۹) از اصل اشتقاقی و مدلول لغوی کلمه تجسیم بر می‌آید که از کلمه جسم گرفته شده است و جسم هر چیزی حقیقت آن است، پس تصویر تجسمی؛ یعنی به فکر واندیشه جسم بخشیدن که در این

صورت تجسیم پاره‌ای تصویر محسوب می‌شود که در آن به امور معنوی حس بخشیده می‌شود. (یاسوف، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

محور اصلی تعبیرات قرآنی در بیان مسائل معنوی همان تصویرگری است و در کنار آن تجسم بخشی و خیال‌انگیزی شکل ظاهری این تصویرهاست تا بتواند اثرگذاری آن بیشتر و روشن‌تر از بیان جملات دیگر باشد. مثلاً در این آیات سوره مسد «وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ، فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ» (مسد: ۴ - ۵)، وقتی از نهایت زشتی عمل زن ابولهب می‌خواهد تصویری بسازد که سرانجام کارهای زشت او چگونه است؛ تصویر تجسمی و تهکمی از او ترسیم می‌کند که هیزم کش جهنم است، زیرا در این دنیا هیزم‌ها را جمع نموده و در راه پیامبر یا جلوی خانه‌اش آتش روشن می‌کرد، در تصویر دیگر لیف خرمایی یا رشته‌ای بافته ازالیاف درگردنش دارد که تجسمی از عملکردش در بستن هیزم‌ها با الیاف برای آزار پیامبر اسلام (ص) است. «اگر به حرکات این آیات دقت شود هماهنگی در طنین واژگان، همراه با صدایی است که بستن بارهای هیزم و کشیدن گردن بالیف، آن را تولید می‌کند.» (سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۴۰۱/۶).

در تصاویر تجسمی به خاطر حس بودن تصویر و گزینش واژگان محسوس در سخن قدرت ارتباط با مخاطب بیشتر است و اثرگذاری آن نیز قوی‌تر و مؤثرتر. در آیات قرآنی «به خاطر گرایش قرآن به جنبه تصویر است که می‌بینیم معنای معقول را به صورت الفاظی بیان می‌کند که به محسوسات دلالت دارند، و این به خاطر آن است که تصویر امر معنوی به صورت پدیده محسوس در جان تأثیر گذارتر و ماندگارتر است.» (بدوی، ۲۰۰۵: ۵۷) بعضی از تصاویر تجسمی و وصف معنوی به محسوس در قرآن از راه پدیده‌های مادی و طبیعت اطراف انسان‌ها است که شامل جامدات، گیاهان و حیوانات می‌شود، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

«فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ، لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ، فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ، فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ، وَ أَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ، وَ نَمَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ، وَ زُرَّابِي مَبْتُوثَةٌ» (غاشیة: ۱۰-۱۶)، تصویر بهشت با ذکر چشمه‌های جاری، تخت‌های برافراشته شده، قدهای نهاده شده، بالش‌ها و فرش‌های پهن شده، که همگی این‌ها با وارد شدن انسان در یک باغ مجلل و مشاهده تصاویر آن گویا با صحنه‌ای از بهشت روبرو شده است و به صورت تجسمی آن را می‌بیند و لذت می‌برد.

«وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (قارعه: ۵)، تصویر کوه‌ها در جزء سی بیشتر برای علامت روز قیامت ترسیم شده است و برای این که شدت روز قیامت و حوادث آن گفته شود و تجسمی از حرکت و متلاشی شدن کوه‌ها را به تصویر بکشد، آن‌ها را به مانند پنبه حلاجی شده تشبیه می‌سازد تا ظرافت این تصویر در بیان ریز ریز شدن و نرمی کوه‌ها در روز قیامت به زیبایی در ذهن مجسم شود.

«فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ» (فیل: ۵)، تصویر هلاکت و خرد شدن اجسام اصحاب فیل را با برگی یا علفی که در زیر دندان حیوانات ریزریز می‌شود بیان می‌کند تا تجسم دقیقی از نوع عذابی که بر آن‌ها وارد شده به زیبایی ترسیم کند.

«يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ» (قارعه: ۴)، تصویر ترس و هراس مردم در روز قیامت به حرکت پروانه‌های سرگردانی تشبیه شده است که نمی‌دانند چه انجام دهند و به هر طرف پرواز کنند. این تصویر تجسمی زیبا برای درک مقداری از عظمت این روز است.

### ۳-۵. تصاویر تشخیصی

تشخیص یا انسان‌انگاری که نوعی خیال‌انگیزی یا صورت‌گری است عبارت است از پوشاندن زندگی و شخصیت به جامدات، پدیده‌های طبیعی، انفعالات و احساساتی که عواطف و صفات انسانی به آن‌ها داده می‌شود. (سید قطب، ۲۰۰۲: ۷۳) همچنین در تعریف آن گفته شده است: «شخصیت بخشیدن و حیات و جنبش دادن به اشیاء و عناصر طبیعت و نیز بخشیدن خصایص انسانی به چیزی که انسان نیست.» (شفیعی، ۱۳۵۸: ۱۵۰)

تشخیص یا شخصیت بخشیدن به جامدات و نباتات یکی از صور بلاغت است که در حوزه استعاره جا دارد، زیرا واژه‌ای که برای تشخیص به کار می‌رود از انسان برای جامدات استعاره می‌شود تا روح پویایی و حرکت انسان را در پدیده‌ها جاری سازد. یکی از جنبه‌های زیبا شناختی این نوع تصویر این است که به خواننده‌اش آرامش و جانی تازه می‌بخشد، گویا آنچه را که به صورت ظن و گمان در ذهنش ترسیم شده به صورت واقعیت و یقین می‌یابد. فایده تشخیص آن است که گنجینه‌ای تأثیرگذار در وسعت بخشیدن به فضای خیال مخاطب است. (یاسوف، ۱۳۸۸: ۱۵۲) در قرآن کریم جامدات، گیاهان، جهنم و پدیده‌های کیهانی در جهان هستی جان و روح دیگری می‌گیرند به طوری که انسان در آیات قرآنی تمامی پدیده‌ها و اطراف جهان هستی را به صورت موجوداتی زنده می‌بیند که مانند انسان دارای احساس و انفعال هستند و در مقابل او امر آفریننده خود مطیع و فرمانبردارند. زمین و آسمان گویی دو موجود عاقل‌اند که خداوند به آن‌ها خطاب می‌کند و آن‌ها اطاعت کرده و فرمانبردار هستند. خورشید و ماه را می‌بینیم که گویی با همدیگر مسابقه گذاشته‌اند و هر کدام می‌دانند که در کدام محور حرکت کند و با همدیگر برخورد نکنند. صبح را مانند انسانی زنده می‌بینیم که نفس می‌کشد و با نفس‌های خود آرامش را بر زمین پخش می‌کند. نتیجه و هدف تمام این تصاویر تشخیصی در قرآن کریم هشدار و تذکر به انسان است که مانند تمامی جهان هستی که آفریده خداوند متعال است باید مطیع و فرمانبر باشد و از

غفلت و عدم تذکر و یاد خداوند دوری کند. نمونه‌هایی از این تصاویر زیبای هنری را در آیات قرآنی بررسی می‌کنیم:

«فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، الْجَوَارِ الْكُنَّسِ، وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ، وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (تکویر ۱۵-۱۸) در این آیات سه تصویر تشخیصی وجود دارد:

الف- در دو آیه اول صحبت از ستارگانی است که در آخر شب پنهان می‌شوند مانند آهوان و حیوانات وحشی که شب برای غذا از محل و پناهگاه خود خارج می‌شوند و در اواخر شب در لانه‌های خود پنهان می‌گردند. «اگر کلمه الجوار نیز در معنای السفن الجاریه باشد، یعنی این ستارگان مانند کشتی‌هایی در حال حرکتند و به هنگام دمیدن صبح پنهان می‌شوند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۹۱/۲۶)

ب- در آیه سوم تصویر تشخیصی از شب را بیان کرده است که مانند شخصی حرکت نموده و به هنگام رقیق شدن تاریکی یا دمیدن صبح پنهان می‌شود، یا مانند شخصی که در تاریکی گم شده سپس به سوی روشنایی حرکت می‌کند و داخل در آن می‌شود.

ج- در آیه چهارم که تصویر زیبایی از دمیدن صبح بیان شده است به مانند انسانی تشبیه شده که نفس می‌کشد و با نفس‌های تازه و طلوع سپیده دم به زندگی و حیات دنیوی روح، آرامش و سرور تازه‌ای می‌بخشد. «می‌توان قاطعانه گفت که در زبان عربی با این همه سخنان بسیار در تعبیرات مختلف، مانند این تعبیر درباره صبح بیان نشده است، و این آیات گنجینه بی نظیری است از احساس، شعور، تعبیر و بیان.» (سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۳۸۴۲/۶)

در چند مورد کلمه «ذات» در جزء سی آمده است: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج: ۱) «النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ» (بروج: ۵) «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ، وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ» (طارق: ۱۱-۱۲) «إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ» (فجر: ۷) «نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ» (مسد: ۳)، در همه این آیات تصویر زیبایی از تشخیص برای واژگان «سما، نار، ارض، ارم» وجود دارد و همه آن‌ها با کلمه ذات؛ که بیان کننده صفات مخصوص خودشان است، به تصویر کشیده شده است؛ مانند کسی که مالکیت چیزی دارد و با او هماهنگ است و با همدیگر رابطه سبب و مسبب دارند. آسمانی که دارای برج‌ها و باران است، زمین که دارای شکاف است تا گیاهان از درونش برویند، شهر ارمی که دارای ستون‌های بزرگی است، آتشی که دارای شعله است، همه این موارد مالکیت این صفت‌ها را دارند و اگر خودشان نباشند این صفت‌ها نیز وجود ندارد.

تصویر تشخیصی از اطاعت و فرمانبری آسمان و زمین از فرامین خداوند مانند کسی که مطیع مالک و آفریننده خود است؛ در سوره انشقاق به زیبایی ترسیم شده است. «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ، وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ، وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ، وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ، وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (انشقاق ۵-۱).

تصویر تشخیصی زیبا از زمین به عنوان گهواره و محل آسایش و آرامش موجودات روی آن، و تصویر کوه‌ها به عنوان میخ‌های روی زمین؛ که زمین را در برابر فشارهای درونی و بیرونی حفظ و محکم می‌گرداند، نشانه هنرمندی زیبای خداوند متعال در نگرش آیات مقدسش است. «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا، وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا» (نبا: ۶-۷)

#### ۴. نتیجه‌گیری

در آیات قرآن کریم استفاده از گونه‌های ادبی و بلاغی ابزاری برای بیان معانی و اندیشه‌های دینی است، زیرا این نوع تصویرگری از معانی سبب تأثیرگذاری عمیق‌تر بر جان‌ها و نزدیک کردن معانی دور به صورت محسوس و وضوح بیشتر معانی در ذهن می‌شود. هدف از به تصویر کشیدن اندیشه دینی در قالب‌ها ادبی و بلاغی آیات قرآنی، پرورش معرفت بشری از جهان هستی، جهان آخرت و آفریدگار مطلق است تا در زندگی‌اش سودمند باشد و انسان با بررسی و جستجوی این تصویرهای هنری قرآن و کارکردهای آن شایسته آن گشته و عقل و خردش از سرچشمه این معارف سیراب شود. نتیجه تبیین گونه‌های ادبی و تصاویر آیات قرآنی، اظهار جنبه‌های زیبا شناختی و واقعی بودن این تصاویر است که هماهنگ با ساخت زبانی، معانی و اهداف آیات؛ و مبین اندیشه دینی و تفکرات اسلامی است. سبک کارکرد گونه‌های ادبی و جنبه‌های زیباشناختی آیاتی از جزء سی، زیبایی‌اندیشه، احساسات و عواطف باطنی انسان را شامل می‌شود و موجب پدید آمدن لذت معنوی و بهره‌های هدایت بخشی در نفس انسان و عقل و دیده‌اش می‌گردد.

پژوهشگر در بررسی کارکردهای گونه‌های تصاویر هنری آیاتی از جزء سی، با مقایسه عادی و معمولی میان تصاویر هنری ساخته شده روبرو نمی‌شود؛ بلکه هرگونه‌ای از این تصویرها امتیازات خاصی از واژگان و صحنه‌های ساختاری دارد که درون آن‌ها اسرار و حکمت‌ها و گنجینه‌های معنوی بسیاری در ساختار سخنان زیبا، حکمت آمیز و هدایت بخش به مخاطب وجود دارد که با ژرف‌اندیشی و دقت بیشتر در آن‌ها معارف و اصول اسلام را در فکر و اندیشه خود پذیرا می‌شود.

## منابع عربی

- ابن اثیر، ضیاء الدین نصرالله بن محمد، (۱۴۲۰ ق)، المثل السائر فی ادب الكاتب و الشاعر، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية.
- بدوی، احمد احمد، (۲۰۰۵ م)، من بلاغة القرآن، مصر: دار نهضة.
- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، (۱۹۶۸ م)، التفسیر الیانی للقرآن الکریم، الطبعة الثالثة، القاهرة: دارالمعارف.
- جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۹۵۲ م)، الحيوان، تصحيح عبدالسلام هارون، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۹۷۸ م)، دلائل اعجاز، تصحيح محمد رشيد رضا، بيروت: دارالمعرفة.
- سيد قطب، ابراهيم حسن، (۲۰۰۲ م)، التصوير الفني في القرآن، الطبعة السادسة عشرة، القاهرة: دارالشروق.
- سيد قطب، ابراهيم حسن، (۱۴۱۲ ق)، في ظلال القرآن، الطبعة السابعة عشرة، القاهرة: دارالشروق.
- فاضلی، محمد، (۱۳۶۵ ش)، دراسة و نقد في مسائل بلاغية هامة، الطبعة الاولى، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

## منابع فارسی

- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، (۱۳۹۱ ش)، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، چاپ سوم، تهران: نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- الراغب، عبدالسلام احمد، (۱۳۸۷ ش)، کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- سیدی، سیدحسین، (۱۳۹۰ ش)، زیباشناسی آیات قرآن، چاپ اول، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۸ ش)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۸۹ ش)، پرتوی از قرآن، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و شهرداری تهران.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۹ ش)، بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران: نشر سخن.
- المطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد، (۱۳۸۸ ش)، ویژگی‌های بلاغی بیانی قرآن، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: نشر سخن.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶ ش)، تفسیر نمونه، چاپ شانزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- یاسوف، احمد، (۱۳۸۸ ش)، زیباشناسی واژگان قرآن، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: نشر سخن.



## الأنماط الجمالية لأنواع الصور الفنية في آيات سور القرآن الكريم الثلاثين

حسن علي شربتدار<sup>\*</sup>

<sup>١</sup> أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية، جامعة فرهنكيان إيران، سمنان، إيران.

### الملخص

### معلومات المقالة

إن الغرض من فحص الصور الفنية هو فحص أي تملك خيالي في اللغة وتطبيقاتها الافتراضية. الصور الفنية هي فائدة حسية وداخلية للكلمات والجمل ذات أسلوب فني جذاب يحتوي على رسائل إرشادية. في التصوير الفني، يجب التعبير عن العاطفة والشعور بالموضوع بحيث يكون لها تأثيرها الخاص على شخص الجمهور. وينقسم تصنيف الصور الفنية وفق منهج الآيات القرآنية إلى أنواع مختلفة من الصور الافتراضية واللغوية والتركيبية والبصرية والتشخيصية، والتي لها تأثير عميق على المتلقي حسب الجوانب السمعية والسمعية، والبصرية والبصرية، والنعومة والدقة. - خشونة المعاني الواسعة للآيات القرآنية. ويمكن دراسة أعمال ووظائف الصور الفنية في الآيات القرآنية بأبعاد أوسع من هذه الصور للتعبير عن الفكر الديني الذي هو الجزء الأساسي والدائم الموجه للأنبياء عبر تاريخ البشرية. إن معالجة الأنماط المختلفة للصور الفنية في الآيات القرآنية قد أوضحت بشكل جميل التماسك التام واستيعاب معنى الآيات وألفاظها. وسنتناول في هذا البحث بنيات هذه الأنواع الجمالية من خلال عرض أدلة الآيات القرآنية وتحليلها. وكانت نتيجة هذا البحث هي التعبير عن جمال وظيفة الأنواع الأدبية والجوانب الجمالية لأسلوب شعر الفصل الثالث والتعبير عن الجوانب الجمالية وواقعية هذه الصور مما يسبب المتعة الروحية وفوائد الهداية. في نفس الإنسان وعقله ورؤيته.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٥/١٠/١٤

تاريخ القبول:

١٤٤٦/٠٢/٠٦

**الكلمات المفتاحية:** الصور الفنية، الآيات القرآنية، الأجناس الأدبية والبلاغية.

الاقْتباس: شربتدار، ح.ع. (١٤٤٦). الأنماط الجمالية لأنواع الصور الفنية في آيات سور القرآن الكريم/الثلاثين، مقالة محكمة، السنة ١،

العدد ١، صص ١٧٧-٢٠٠. doi: 10.22034/JISALL.2024.202896



الناشر: جامعة زابل. حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

\* - عنوان البريد الإلكتروني (الكاتب المسؤول): sharbatdar141@yahoo.com

## **Aesthetic Styles of Types of Artistic Images in Verses from the 30th Chapter of the Holy Quran**

Hasan Ali Sherbatdar, Assistant Professor, Farhangian University of Semnan, Semnan, Iran. E-mail: sharbatdar141@yahoo.com

### **Introduction**

The purpose of exploring artistic images is to examine imaginary appropriations in language and its virtual applications. Artistic imagery is a sensory and inner benefit of words and sentences with an attractive artistic style, which contains guiding messages. In artistic depiction, the emotion, passion and feeling of the subject should be expressed so that they have their own effect on the person of the audience. The classification of artistic images according to the approach of the Quranic verses is divided into different virtual, linguistic, textural, visual and diagnostic types, which according to the audio and listening, and visual aspects, the softness and coarseness of the broad meanings of the Quranic verses have a deep impact on the audience. The works and functions of artistic images in Quranic verses can be investigated in wider dimensions than these images to express the religious thought which is the fundamental and constant guiding part of the prophets throughout the history of mankind. The processing of different styles of artistic images in the Quranic verses has beautifully illustrated the complete coherence and assimilation of the meaning and wording of the verses.

### **Methodology**

In this research, by presenting the evidence of Quranic verses and analyzing them, structures of these aesthetic types have been investigated.

### **Results and Discussion**

The style of using literary and rhetorical types in Quranic verses has vivid, dynamic and stunning images and is different from human style in terms of impact and construction or in terms of vocabulary and content. Although the Qur'an is a literary text and technical prose, it is far from taqleef and taqeed, and the texture of the imagery in it is solid, harmonious and appropriate to the events related to that image. In his verses, God has drawn simple and intellectual concepts with tangible and literary artistic images so that people infer the concepts and truths of Quranic knowledge with their material intellect and be guided to their creator by using these dynamic and moving images. With the functions of these artistic images, we understand the close relationship between thought and reality in the Qur'anic verses. That is, the thought within these images is in harmony with the reality outside them and is not separated, and this is the special feature of Quranic images that is more

efficient and effective than literary images, because "literary images have this special feature of Quranic images that are divine and in accordance with reality and life, in addition to the balance between the world and the hereafter, or the world of martyrdom, it is the unseen world (Al-Raghib, 1387, 54). The result of this research is the expression of the beauty of the function of literary genres and the aesthetic aspects of the style of verses from Part 3, and the statement of the aesthetic aspects and the reality of these images, which causes the emergence of spiritual pleasure and the benefits of guidance in the soul of man, his intellect and vision.

### **Conclusion**

In the verses of the Holy Qur'an, the use of literary and rhetorical forms is a tool to express religious meanings and ideas, because this type of depiction of meanings causes a deeper impact on souls and brings distant meanings closer in a perceptible way and makes the meanings more clear in minds. The purpose of portraying religious thought in the literary and rhetorical forms of Quranic verses is to develop human knowledge about the universe, the hereafter and the absolute creator so that it is useful in his life and by examining and searching for these artistic images of the Quran and its functions, man becomes fascinated by it; May his intellect and wisdom be watered from the source of these teachings. The result of explaining the literary types and images of the Quranic verses is to express the aesthetic and real aspects of these images, which are in harmony with the linguistic structure, meanings and purposes of the verses; and it shows religious thought and Islamic thoughts. The working style of the literary genres and the aesthetic aspects of the verses of Part 3 include the beauty of human thoughts, feelings, and inner emotions and cause the emergence of spiritual pleasure and guidance benefits in the human soul, intellect, and vision. In examining the functions of the types of artistic images of verses from Part 3, the researcher did not face the normal comparison between the created artistic images; Rather, any of these images have special privileges of words and structural scenes, in which there are secrets, wisdom, and many spiritual treasures in the structure of beautiful, wise and guiding words to the audience, which are presented with more depth and precision. Through these images, he accepts the teachings and principles of Islam in his thoughts.

### **References**

- Al-Mutani, A. A. I. M. (2009). *This is a rhetorical statement of the Qur'an* (S. H. Sidi, Trans.; 1st ed.). Sakhn Publishing. (Original work published 1388 AH) {In Persian}
- Al-Ragheb, A. S. A. (2008). *Karkard illustrated by Henry in the Holy Qur'an* (S. H. Sidi, Trans.; 1st ed.). Sokhan Publications. (Original work published 1387 AH) {In Persian}
- Al-Raghib, A. S. A. (2008). *The function of artistic image in the Holy Quran* (S. H. Seidi, Trans.; 1st ed.). Sokhon Publications. (Original work published 1387 AH) {In Persian}
- Badawi, A. A. (2005). *From the rhetoric of the Qur'an*. Dar Nahda. {In Arabic}
- Bint Al-Shatti, A. A. (2012). *Ijaz Bayani Qur'an* (H. Saberi, Trans.; 3rd ed.). Scientific and Farhangi Publications Company. (Original work published 1391 AH) {In Persian}
- Bint Al-Shatti, A. A. (1968). *The explanatory interpretation of the Holy Qur'an* (3rd ed.). Dar Al-Maaref. {In Arabic}
- Fatouhi, M. (2010). *Balaghat Tasawir* (2nd ed.). Sokhan Publishing. (Original work published 1389 AH) {In Persian}
- Fazeli, M. (1986). *Study and criticism on important rhetorical issues* (1st ed.). Farhangi Research and Investigation Foundation. (Original work published 1365 AH) {In Persian}
- Ibn Atheer, D. A. N. b. M. (1999). *The proverb in the literature of the writer and the poet* (M. M. Abdul Hamid, Ed.). The Modern Library. (Original work published 1420 AH) {In Arabic}
- Jahiz, A. b. B. (1952). *Al-Haywan* (A. S. Haroun, Ed.). Al-Khanji Library. {In Arabic}
- Jurjani, A. Q. (1978). *Evidence of the miracle* (M. R. Reda, Ed.). Dar Al-Maarifa. {In Arabic}
- Makarem Shirazi, N. (1997). *Tafsir Namouneh* (2nd ed.). Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (Original work published 1376 AH) {In Persian}
- Sayyid Qutb, I. H. (1991). *In the shadows of the Qur'an* (17th ed.). Dar Al-Shorouk. (Original work published 1412 AH) {In Arabic}
- Sayyid Qutb, I. H. (2002). *Artistic illustration in the Qur'an* (16th ed.). Dar Al-Shorouk. {In Arabic}
- Sayyid, S. H. (2011). *The verses of the Qur'an* (1st ed.). Islamic Sciences and Farah Publications. (Original work published 1390 AH) {In Persian}
- Seidi, S. H. (2013). *Aesthetics of Qur'anic verses* (1st ed.). Islamic Science and Culture Publishing House. {In Persian}
- Shafiei Kadakani, M. R. (1979). *Pictures of fiction in Persian poetry*. Agah Publications. (Original work published 1358 AH) {In Persian}
- Shafi'i Kodkani, M. R. (1980). *Imaginary images in Persian poetry*. Aghaz Publications. {In Persian}

- Taleghani, S. M. (2010). *Part of the Qur'an* (1st ed.). Foundation for Studies on the Contemporary History of Iran and Shahr-dari Tehran. (Original work published 1389 AH) {In Persian}
- Taleghani, S. M. (2009). *A light from the Qur'an* (1st ed.). Institute of Contemporary History of Iran and Tehran Municipality. {In Persian}
- Yasuf, A. (2009). *Zibashnasi Wajagan Qur'an* (S. H. Sayyidi, Trans.; 1st ed.). Sokhan Publishing. (Original work published 1388 AH) {In Persian}